

سه تایی تند تند تخمه میشکستیم و لم داده بودیم و داشتیم کارتون میدیدیم و شهیاد گفت:

_کاش یه بی دندون داشتیم برای خودم.

شاهرخ گفت:

_تو که بروس و داری از صد تا بی دندون هم با حال تره.

با هیجان گفتم:

_بروس چیه؟

شاهرخ با نیشخند گفت:

_مار پیتون.

با ترس گفتم: یا جد سادات! مار؟!!

ازش فاصله گرفتم و باسنم و به سمت شاهرخ کشوندم که اونم با کمال میل دستاش و وا کرد تا برم توی بغلش.

شهیاد خندید:

_ماره دیگه هیچی حالیش نمیشه این بی دندونه قشنگ حالیشه همه چی.

سرم تو بغل شاهرخ بود و پاهام روی پاهای شهیاد و محو کارتون بودیم.

یهو صدای معصومه خانوم اومد:

_ لعنت بر شیطون. شما دوتا دارین برنامه کودک نگاه میکنین؟

چون من دراز کشیده بودم از پشت کاناپه معلوم نبودم.

شاهرخ و شهیاد پریدن و شهیاد هول شده گفت:

_ نه والا ما کجا کارتون میدیدیم.



کاربر گرامی جهت اطلاع از زمان پارت بعدی این رمان و دسترسی راحت تر به

پارت های جدید لطفا در کانال و پیج اینستاگرام ما عضو شوید :

جهت عضویت در کانال تلگرامی و اینستاگرامی ما روی عکس زیر کلیک کنید

(برای عضوین در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید)

عضویت در کانال تلگرامی رمان پلاس

اطلاع از زمان دقیق آپدیت‌ها / دسترسی سریع‌تر به پارت‌های جدید / اخبار سایت و..



عضویت در پیج اینستاگرام فایل استار

اطلاع از تیزر رمان‌های برتر / اخبار دنیای رمان / دسترسی به نویسنده رمان‌ها

